

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهيم

بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
از آن به که کشور به دشمن دهيم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: جیمز پتراس
برگردان از: علیرضا ثقفی
۰۷ فبروری ۲۰۲۱

ان جی او ها در خدمت امپریالیسم

قسمت اول



در سراسر تاریخ، طبقات حاکمه ای که اقلیت، کوچکی بوده اند، به اجبار به دستگاه های دولتی و نهادهای اجتماعی متوسل می شده اند تا از قدرت، منافع و امتیازات خود دفاع کنند. در گذشته، به خصوص در جهان سلطه طبقات حاکمه از طرف آن سوی ابحار حمایت و تقویت می شد و همراه با آن نهادهای مذهبی محلی، مردم تحت استثمار را کنترل می کردند و نارضایتی مردم را به سمت اختلافات و رقابت های مذهبی و قومی منحرف می کردند.

گر چه این حرکات تا امروز ادامه یافته است، اما در چند دهه اخیر نهادهایی به منصه ظهور رسیده اند که همان عملکردهای کنترل و شکل دهی ایدئولوژیک را انجام می دهند. این نهادها خودشان را سازمان های غیردولتی می نامند. امروزه حدود ۵۰۰۰۰ ان جی او در جهان سوم وجود دارد که در مجموع بیش از ده میلیارد دلار از نهادهای بین المللی، دولت های اروپا، ایالات متحده، جاپان و حکومت های محلی کمک مالی دریافت می کنند. مدیران بزرگترین ان جی او ها، بودجه های میلیون دلاری و امتیازات و خدماتی را در اختیار دارند که قابل مقایسه با مدیران شرکت های چندملیتی است. آنها به کنفرانس های بین المللی می روند. با بازرگانان بلندپایه و مدیران مالی برجسته هم ارز هستند و شیوه های تصمیم گیری را به کار می گیرند که میلیون ها نفر از مردم، به خصوص مردم فقیر، زنان و کارگران غیر رسمی را تحت تأثیر قرار می دهند.

ان جی او در همه جا دارای فعالان سیاسی و اجتماعی هستند که در و مناطق شهری و روستایی آسیا، آفریقا و امریکای لاتین فعالند و به طور کلی وابسته به ولی نعمتان خود در اروپا، ایالات متحده و جاپان هستند. این مسأله بیانگر نفوذ فراگیر ان جی او ها در حیات سیاسی و اقتصادی آنها در به اصطلاح جهان پیشرفته است. به گونه ای که برخورد

نقادانه چپ با نقش منفی آنها ضعیف است. بخش زیادی از این مسأله مدیون موفقیت ان جی او. ها در جایگزینی و تخریب جنبش های چپ سازمان یافته و جذب روشنفکران ارزشمند و رهبران سازمانده آنها می باشد.

امروزه بسیاری از جنبش های چپ و نمایندگان مردمی، انتقاد خود را بر صندوق بین المللی پول، بانک جهانی، شرکت های چندملیتی، بانکهای خصوصی و غیره متمرکز کرده اند. آنهایی که برنامه های کلان اقتصادی را در جهت غارت جهان سوم تنظیم می کنند. هر چند این مسأله مهم است، اما پایمال کردن بنیان های صنعتی، استقلال و استانداردهای زندگی جهان سوم، هم در زمینه اقتصاد کلان و هم در سطح سیاسی و اجتماعی خرد انجام گرفته است. تأثیرات مشخص اقتصاد نئولیبرالی بر روی دستمزد و مزایای کارگران، دهقانان و صنایع کوچک ملی، جو نارضایتی در سطح ملی به وجود آورده است. در چنین حالتی ان جی او ها به صحنه می آیند برای آن که این نارضایتی را از مسیر اصلی آن منحرف کنند و از حمله مستقیم به ساختار قدرت (شرکت ها و بانک ها و ...) و سود آنها جلوگیری کرده و مردم را به سمت پروژه های کوچک محلی که دارای زمینه های غیرسیاسی و مربوط به تعلیم و تربیت عمومی، و یا خودیاری می باشد منحرف کنند، به گونه ای که از تحلیل طبقاتی امپریالیسم و استثمار سرمایه داری اجتناب شود.

ان جی او ها در سراسر جهان تبدیل به آخرین وسیله ترقی برای طبقات تحصیل کرده جاه طلب شده اند. آکادمیسینها، روزنامه نگاران و حرفه ئی هائی که پاداش های فقیرانه جنبش های چپ گرا را در برابر مدیریت سودمند یک ان جی او رها کرده، مهارت های تشکیلاتی و سخنوری با واژگان مردمی را با خود به همراه دارند. امروزه هزاران نفر از گردانندگان ان جی او ها سوار ماشین های ۴۰۰۰۰ دالری لوکس می شوند و از ویلاهای لوکس شان به سمت دفاتر کار آراسته در مجموعه های ساختمانی شان رفت و آمد کارهای روزانه خودشان و نیز نگهداری از فرزندان شان را به خدمتکاران و پرستاران می سپارند. آنها پیشرفت خود را در آن سوی ابحار در کنفرانسهای بین المللی در واشنگتن، بانکوک، توکیو، بروکسل، روم و غیره که درباره فقر در دهکده های ناشناخته کشورشان برگزار می شود، جست و جو می کنند. آنها بیشتر راغبند که طرح های جدید نوشته شده برای برخورد با جریانات حاد از طرف مقامات حرفه ئی را ارائه دهند و از اعتراض علیه حمله پولیس به تظاهرات معلمان کم حقوق مدارس پرهیز می کنند.

رهبران ان جی او ها طبقه جدیدی هستند که بر مبنای مالکیت خصوصی و یا منابع دولتی پایه گذاری نشده اند. بلکه از درون بنیان های حاکم تغذیه می شوند و توانائی آنها در کنترل گروه های مردمی، ارزشمند است. رهبران NGO ها را می توان همانند نوعی از گروه های نئوکمپرادور به حساب آورد که هیچ گونه کالای مفیدی تولید نمی کنند اما دارای عملکردی در جهت ارائه خدمات برای کشورهای ولی نعمت اند که به افزایش فقر در کشورشان کمک کرده و خودپسندیهای شخصی شان را ارضاء می کند.

در ابتداء گردانندگان ان جی او ها اظهار می داشتند که در برابر فقر و نابرابری می جنگند و بدین وسیله کارشان را توجیه می کردند. ظاهر این مسأله فریبده بود. رابطه مستقیم میان رشد آنها و کاهش استانداردهای زندگی وجود دارد: اما افزایش ان جی او ها موجب پائین آمدن بیکاری و یا کاهش مهاجرت وسیع دهقانان نشد و سطح دستمزد ارتش رو به رشد کارگران غیر رسمی را به سطح قابل قبول نرساند. آنچه که ان جی او ها انجام دادند عبارت بود از ایجاد لایه نازکی از حرفه ئی های نئولیبرال که با داشتن درآمد در شرایط سخت، غارتگران اقتصاد نئولیبرالی را نجات می دهند. نئولیبرالیسمی که کشور و مردم آنها را تحت تسلط در آورده و در حال نفوذ به درون ساختار طبقاتی موجود است.

این واقعیت با آنچه که ان جی او ها از عملکرد خود تصور می کنند در تقابل قرار می گیرد. بر طبق آنچه که تبلیغ شده میان مردم رایج است ان جی او ها راه سوم میان سلطه سیاستمداران و بازار وحشی سرمایه داری هستند. آنها خود را به مثابه پیشروان جامعه مدنی که در خدمت اقتصاد جهانی هستند، توصیف می کنند. تصور عمومی که در کنفرانس های

ان جی اوها مطرح می شود، عبارت است از: آلترناتیو توسعه عبارت کاسبکارانه جامعه مدنی به دور از واقعیت است و تنها در خلأ وجود دارد. جامعه مدنی یک کل مقدس واحد نیست. این جامعه از طبقات تشکیل شده و در این قرن فاصله میان طبقات بیش از پیش عمیق گشته است. بسیاری از بی قانونی ها در برابر کارگران به وسیله بانکداران ثروتمند در جوامع مدنی صورت می گیرد. جوامعی که بهره گزافی را برای پرداخت وام های داخلی دریافت می کنند. همچنین به وسیله زمیندارانی که دهقانان را از زمین اخراج می کنند و نیز به وسیله سرمایه داران صنعتی که کارگران ساده را با دستمزدهای پائین از کارگاه های دارای شرایط غیر انسانی اخراج کنند. با صحبت کردن در باره جامعه مدنی، گردانندگان ان جی او ها تضادهای عمیق طبقاتی را مخفی کنند. همچنین استثمار طبقاتی، مبارزه طبقاتی که جوامع مدنی امروزه را به دو قطب تقسیم کرده است را منکر می شوند. منظور از جامعه مدنی این است که ان جی اوها در همکاری با سرمایه داری که از نظر مالی آنها را تأمین می کند، تسهیلاتی به وجود آورند و این امکان را بیابند که برنامه ها و پیروانشان را به تبعیت از منافع سرمایه های بزرگ که اقتصاد نئولیبرالی را تنظیم می نمایند، هدایت کنند. در بسیاری از موارد گردانندگان ان جی او های به اصطلاح جامعه مدنی، عوام فریبانه به برنامه های عمومی و نهادهای دولتی حمله می کنند و آنان را مورد سرزنش قرار می دهند که خدمات عمومی را کنار گذاشته اند. گردانندگان ان جی او ها در کنار بنگاه های بزرگ اقتصادی عوام فریبانه به سیاستمداران حمله می کنند (از یک طرف با نام دفاع از جامعه مدنی و از طرف دیگر دفاع از بازار) تا آن که منابع دولتی را در اختیار گیرند. سرمایه داری به اصطلاح ضد سیاست، سعی در افزایش نهادهای عمومی در جهت کمک به صادرات و حمایت های مالی دارد و گردانندگان ان جی او ها سعی در به حساب آوردن سهم مسافرت، قراردادهای فرعی، به دست آوردن خدمات دست دوم برای اعضای خاص خود دارند.

علی رغم تصور گردانندگان ان جی او ها از خودشان به عنوان رهبران مبتکر، آنها به صورت واقعی رهبران ارتجاعی هستند که تکمیل کننده کار صندوق بین المللی پول در زمینه خصوصی سازی از پائین و جلوگیری از جنبش های عمومی مردمی هستند. بنابراین تلاش می کنند مقاومت مردم را تخفیف دهند. وجود و حضور ان جی او ها در همه جا نیروهای چپ را به معارضة ای جدی کشانده است که نیاز به نقد سیاسی و تحلیل ریشه نی از ساختار ایدئولوژی آنها وجود دارد

ریشه، ساختار و ایدئولوژی ان جی او ها

ان جی او به عنوان این که نقش مخالفی در سیاست داشته باشند، ظاهر شدند. آنها دیکتاتوری را مورد نقد قرار داده و به پایمال کردن حقوق بشر اعتراض کردند. از طرف دیگر در رقابت با جنبش های اجتماعی رادیکال قرار گرفتند و تلاش می کردند که جنبش های اجتماعی را به سمت روابط همکاری با نخبگان نئولیبرال حاکم سوق دهند. در حقیقت این روش سیاسی آنچنان که می نمود متضاد با وضع موجود نبود.

وجود و رشد ان جی او ها در زمینه های گوناگون در اواخر قرن بیستم به ما نشان می دهد که ان جی او ها در سه زمینه فعال هستند. در مرحله اول آنها به عنوان پناهگاهی مطمئن در حکومت های دیکتاتوری ظاهر شدند. در آنجا که روشنفکران بی طرف بتوانند مسائل حقوق بشر را پیگیری کرده و برنامه های حمایتی را برای قربانیان خشونت های سازمان یافته پایه ریزی کنند. این ان جی او های انسان گرا مواظب آنان بودند که با ایالات متحده برخورد شدید نداشته باشند و همچنین نیز در برابر اروپائینی که در پایمال کردن حقوق بشر دست داشته اند و ظهور سیاست های بازار آزاد که منجر به فقیرتر شدن توده های مردم می شود، عکس العملی نداشته باشند. بدین ترتیب گردانندگان ان جی او ها به

صورت ستراتیژیک از دموکرات هائی انتخاب شدند که به عنوان سیاستمداران جایگزین برای طبقات حاکم محلی و سیاست بازان حاکم در دسترس بودند. در آن هنگام حاکمان، تحت فشار جدی جنبش های مردمی به سرنگونی تهدید می شدند. بنیان گذاران غربی ان جی او ها به عنوان منتقدان، با این کار مرتجعان در حال سرنگونی را بیمه می کردند. به همین خاطر بود که در جریان تزلزل رژیم مارکوس در فیلیپین – ان جی او های منتقد را به وجود آوردند. همچنین رژیم پینوچیت در چیلی و دیکتاتوری پارک (پارک چونگ هی) در کوریای جنوبی و غیره .

رشد قارچ گونه ان جی او ها هنگامی به وجود آمد که جنبش های توده ئی هژمونی های حاکم را مورد تعرض قرار دادند. رشد جنبش های سیاسی- تا اجتماعی رادیکال و مبارزات مردمی وضعیت مناسبی را برای روشنفکران غیررادیکال وکاذب به وجود آورد که آنان را قادر به بهره برداری از این شرایط نمود. این بهره برداری مربوط به نهادهائی بود که بخوبی از نظر مالی تغذیه شده و رابطه تنگاتنگی با اروپا، نهادهای ایالات متحده و حکومت داشته را باشند. پایه گذاران این نهادها آگاهی های علمی جامعه شناسانه از تمایلات مردمی داشتند، (همانند تمایل طبیعی برای شورش در محلات پرجمعیت). یک پروژه NGO در چیلی در طی یک شورش مردمی در سال های ۱۹۸۳-۸۶ سازمان داده شد. توانائی گردانندگان NGO در آن شورش این بود که یورش جمعیت های مردمی را رهبری کرده و انرژی آن را به سمت پروژه های خودیاری کشانند و به جای آن که تغییرات اجتماعی رادیکال را بخواهند تبلیغات گمراه کننده ای در جهت همکاری طبقاتی به عنوان یک بحث تحلیلی جدید به راه انداختند، که فعالان انقلابی را منفرد و ایزوله کردند.

شورش های مردمی باعث شل شدن سر کیسه عوامل آن سوی ابحار شد. و دسترسی میلیون ها دالر سرازیر اندونزی گشت. تایلند و پرو در دهه هفتاد نیکار آگوئه، چیلی، فلیپین در دهه هشتاد و السالوادور و گواتمالا و کوریا در دهه نود مشمول این بخششها شدند. گردانندگان ان جی او ها به طور اساسی خطر را برطرف کردند. تحت پوشش پروژه های بنیانی، آنها اصرار به مقابله با جنبش های ایدئولوژیک داشتند و بدین ترتیب به صورت مؤثری وجوه خارجی را در جهت تقویت رهبران محلی و فرستادن آنها به کنفرانسهای آن سوی ابحار و تشویق گروه های محلی در انطباق با نئولیبرالیسم صرف می کردند. منابع مالی خارجی قابل است. ان جی او های در حال گسترش جمعیت ها را به بخش های تحت کنترل شده ای خاص به عنوان قلمرو آنها تقسیم کنند. هر زمینه فعالیت بخشی از فقراء را در بر می گیرد (زنان، جوانان، اقلیت ها و غیره). برای تأسیس یک ان جی او جدید، عده ای را رهسپار امستردام، استکهلم و سایر مناطق می کنند تا آن که پروژه را به معرض بازار گذارده و مرکز قلمرو فعالیت شان را از کمک های مالی منتفع گردانند.

سومین وضعیتی که در آن ان جی او ها تکثیر می شوند در جریان عمیق تر شدن بحران های اقتصادی به وجود آمده توسط بازار آزاد سرمایه داری است. روشنفکران، آکادمیسین ها و متخصصین شاهد تنزل شغلها و مستمری هائی هستند که بودجه آنها کاهش یافته است. در نتیجه شغل جدیدی ضروری است. ان جی او ها مکان جدیدی برای اشتغال می شوند و مشاوره تبدیل به شغل سالمی برای روشنفکران فرودستی می شود که آرزوی ترقی در جامعه مدرن را دارند. آلترناتیو خط توسعه بازار آزاد و شیوه های همکاری با رژیم های نئولیبرال و نهادهای مالی بین المللی را برمی گزینند.

ادامه دارد